

پشت پرده افزایش قیمت تخم مرغ

در دو هفته‌ای که گذشت قیمت تخم مرغ ناگهان از قیمت مرغ پیشی گرفت و تمام مردم را در بهت و حیرت فرو برد. البته در کشور ما این عمل مسبق به سابقه است و هر چند وقت قیمت یک کالا دچار تنش می‌شود و بعد از بالا رفتن ناگهانی قیمت آن اندکی پایین می‌آید. مردم هم خوشحال می‌شوند که قیمت آن کالا پایین آمده است، اما ببینیم پشت پرده بالا رفتن قیمت تخم مرغ واقعاً چه خبر بوده است؟!

دولت بعد از دو سه روز از اوج گرفتن قیمت تخم مرغ خبر داد که مقدار بیست هزار تن تخم مرغ وارد بازار کرده است! شما می‌دانید که وارد کردن یک کالا به کشور از ثبت سفارش و خرید از کشور مبدا و حمل آن به داخل کشور و عبور از گمرک مدتی طول می‌کشد؛ حالا چطور دولت ظرف چند روز تخم مرغ را وارد بازار کرده، جای بسی سوال است.

آیا بهتر نیست دولت با مردم روراست باشد و کسانی را که این آشفته بازار را به وجود آورده‌اند به مردم معرفی کند نه اینکه بر گرانفروشی و احتکار سرپوش بگذارد؟ چه کسی دست دولت را در این کار بسته است؟ بخش مهمی از امکانات کشور در دست رئیس‌جمهور است و هیچگونه مماشاتی در این مورد پذیرفته نیست چون فقط قشر ضعیف از اینگونه نوسانات قیمت متضرر می‌شود؛ بخش مهمی از همانهایی که به آقای روحانی رای دادند. عبدالحسین اسماعیلیان - بجستان

به یاد همه مادران

مادرش آلزایمر داشت. گفت: مادری بیماری داری، باید به خاطر همین بیریمت آسایشگاه سالمندان... مادر گفت: چه بیماری؟ گفت: آلزایمر، یعنی همه چیز رو فراموش میکنی. مادر گفت: مثل اینکه خودتم همین بیماری رو داری. گفت: چطور؟ مادر گفت: انگار یادت رفته با چه زحمتی بزرگت کردم. چقدر سختی کشیدم تا بزرگ بشی. کمر خم کردم تا قد راست کنی... پسر رفت توی فکر... برگشت به مادرش گفت: مادر منو ببخش! مادر گفت: برای چی؟ گفت: به خاطر کاری که می‌خواستم انجام بدم. مادر گفت: من که چیزی یادم نمیداد... عبدالامیر اسدالله زاده - شوشتر

استمداد خبرنگار برای حیات یک مادر

اینجانب محمد حسین شریفان خبرنگار مطبوعات در شهرستان اسفراین با مادری مواجه شدم به نام "ک" سی ساله ساکن یکی از روستاهای این شهرستان که دارای سه فرزند پسر ۱۱، دختر ۶ ساله و پسر چهار ماهه است که نامبرده یک هفته پس از تولد طبیعی آخرین فرزندش، یعنی حدود چهار ماه پیش بر اثر تپش قلب و تنگی نفس به بیمارستان قائم مشهد اعزام شد و هفده روز در آنجا بستری بود و پس از تشخیص پزشک فوق تخصص قلب اعلام شد که هر چه سریعتر باید پیوند قلب انجام شود و در همین خصوص در بیمارستان امام رضا (ع) مشهد عمل پیوند قلب او را در اولویت قرار داده‌اند، لذا نامبرده هر چه سریعتر باید هزینه مالی آن را تأمین کند، اما از آنجایی که خودش خانه دار و شوهرش کارگر ساده است و خانواده هر دو نیز مستضعف و ساکن روستا هستند، توان مالی لازم را ندارند به همین منظور از کلیه افراد خیر و نیکوکار در این امر خداپسندانه یاری می‌طلبیم تا خیر دنیا و آخرت شامل آنان شود.

مدارک و مشخصات پزشکی این مادر دردمند و چشم به راه یاری نیکوکاران و خیران، در دفتر مجله موجود است.

تا زنده‌ایم قدر یکدیگر را بدانیم

زلزله و پس لرزه‌های ویرانگر کرمانشاه و متعاقب آن در تهران، تلنگری بود تا مردم بیشتر به خود آیند. هنگام وقوع زلزله برخی از خانواده‌ها به پارکها گریختند. هنگامی که دیدند سرداست، برگشتند و باک خودروهایشان را پر از بنزین کردند تا بتوانند بخاری را روشن کنند و همانجا بخوابند؛ غافل از آنکه خوابیدن در خودروی روشن، خطر خفگی بویژه برای کودکان را به همراه دارد. حتی اگر شیشه خودرو پایین باشد باز جریان هوای یک سوپیه خواهد بود و خارج می‌شود ولی هوای تازه به داخل نمی‌آید! (اصلاً بگو کدام هوای تازه؟)

اینها همه مقدمه‌ای بود تا موضوع دیگری را خدمت شما عرض کنم. روزهای گذشته یکی از همکاران قدیمی و بازنشسته، سوگواری یکی از عزیزانش بود، وقتی به مجلس ترحیم زنده‌یاد رفتم، عده‌ای از همکاران بازنشسته و شاغل را دیدم که برای تسلی خاطر بازماندگان، حضور یافته بودند و برخی‌ها هم می‌آمدند و می‌رفتند. به این نتیجه رسیدم که چقدر خوب است تا زنده هستیم با گذشت و رفاقت و زود کردن کینه و کدورت، قدر یکدیگر بیشتر بدانیم و چقدر برخی‌ها با اینکه بازنشسته شده‌اند، آنقدر با اخلاق بوده‌اند که با اینکه سالها در میان ما نیستند، کسی آنها را فراموش نمی‌کند! برعکس کسانی دیگر ۹۰ سال است زنده‌اند ولی در دلها نیستند.

هفته پیش یکی از همکاران خوب که در خوش اخلاقی زیانزد است گفت، شنیدی فلانی مرده. گفتم او ۵۰ سال پیش مرده، تو خبر نداری! علی اکبر فرقانی - خبرنگار اجتماعی اطلاعات هفتگی

نامه به سردبیر

با سلامی گرم و صمیمی خدمت همه شما خوانندگان خوب و ارجمند مجله اطلاعات هفتگی که همواره یار و همراه قدیمی ترین نشریه کشور بوده‌اید و با این درخواست همیشگی از شما خوانندگان عزیز که در همه ارتباطات کتبی یا اینترنتی و تلگرامی از ذکر نام، نشانی و بویژه شهر و دیار خویش دریغ نفرمایید.

* ناصر پور یوسف

مطلبی را که از طرف آقای حسین بیضاییان برایم فرستاده بودید خواندم. برای من هم عجیب است که چطور در موسسه‌های ده میلیون تومان پول گذاشته‌اید و پس از مدتی یک میلیون تومان آن را برداشته‌اند و با کسر ده درصد پولتان را برگردانده‌اند! آن هم به این بهانه که هزینه وکالت و کیل است! من هم معتقدم چنین رویه‌ای بویی از انصاف و عدالت با خود ندارد و امیدوارم بساط موسسات اعتباری برای همیشه برچیده شود.

* ناصر حاتمی فر - اندیشه

تصویری از ورزش صبحگاهی در سرمای زمستان در شهر اندیشه، شهر یار برای دفتر مجله ارسال کرده‌اید که در صورت امکان هفته‌های بعد آن را چاپ خواهیم کرد.

* حسن مرادی - ؟

نامه‌ای سرگشاده به رئیس‌جمهوری دکتر روحانی، در ارتباط با عدم توجه به خواسته‌های به حق مردم از شما به دستم رسید که در آن عنوان کرده‌اید چندین بار به رئیس‌جمهور نامه نگاری کرده، ولی پاسخی نگرفته‌اید و از این موضوع گلایه مند هستید. البته بنده هم با صحبت شما هم عقیده هستم. بی‌تردید اگر توجه مسئولان به مردم بیشتر شود، بسیاری از مشکلات برطرف می‌شود چرا که بزرگترین رمز موفقیت هر دولت و حکومتی جلب اعتماد مردم به عنوان یک سرمایه اجتماعی مهم است. موفق باشید.

* احسان اله فقیهی - سمنان

سروده پردرد شما در ارتباط با زلزله کرمانشاه به دستم رسید که آن را برای بررسی بیشتر به بخش تماشاگاه راز ارجاع دادم اما با این حال با هم بخشی از شعرتان را می‌خوانیم: شبانگاهی که کرمانشاه لرزید / در اعماق زمینش بی‌محابا / غم فقدان تعدادی دگر ماند / درون قلبها پیوسته بر جا / چه مجروح و چه مصدوم فراوان / که شد در حال سربایی مداوا و... امیدوارم دیگر چنین غمهای تلخ و جانسوزی بر دل مردم نشینند. موفق باشید.